

سلام عرض می‌کنم خدمت همه عزیزان پادکست‌های تلنگر. خب، با یک دوره تأخیر مجدداً خدمتون می‌رسیم. یک بحث بسیار مهمی با فرعون عالم شروع شده؛ بحث مذاکرات. خیلی وقت‌ها مردم هم دارند خودشونو گره می‌زنند به این بحث و شرایط جامعه، قیمت دلار و همه این‌ها رو می‌بینید که داره به این بحث گره می‌خوره. من یک مقداری می‌خوام با قاعده حرف بزنم؛ نمی‌خوام لزوماً تطبیق بدم به شرایطی که الان داریم، ولی قواعدش لااقل دستمون باشه که با این قواعد به سراغ چه فرایندهایی داریم می‌ریم و بتونیم چه جوری قضاوت بکنیم.

مطلب اول اینه که جریان حق و باطل وقتی که به نقاط اوج خودشون می‌رسند و درگیری در حقیقت به نقطه اوج خودش وقتی می‌رسه، اگر حق بر جبهه حق بودن خودش پافشاری بکنه، همونجاست که فرعون غرق می‌شه. یکی از سنن الهی در اون بالاست؛ وقتی که معادلات و تمام شرایط می‌رسه به اون نقاط انتهایی، وقتی قرآن می‌گه کید شیطان ضعیفه، اونجا رو می‌گه. وقتی شما در نقاط بالایی، طاغوت-مومن، نقاط قرار می‌گیرید، اونجا ضعیف است؛ چون که اساساً منطقه پرواز شیطان تا اون بالا نیست. اگه بحث رو بیارید پایین‌تر، زمین بازی شیطان است. بیاد پایین‌تر، اونجا کید شیطان ضعیف هم نیست. اونجا قویه، شیطان در اینه که مثلاً یک نفری رو منحرف بکنه، به نامحرم نگاه بکنه یا کار خلافی بکنه، قویه. کید شیطان کجا ضعیفه؟ وقتی به نقاط ماکسیمومی حرکت می‌رسند و درگیری به اون نقاط اوج می‌رسه، اونجا کید شیطان ضعیفه از طرفی و اونجا وعده‌های الهی در بالاترین نقطه؛ چون که شما در بالاترین نقطه دارید ظاهر می‌شید، وعده‌های الهی در بالاترین نقطه ظاهر می‌شه. برای همین است که شما اگه می‌بینید در جنگ احزاب -که جنگ احزاب، نه جنگ خندق- اصلاً مهم نیست که خندق کنند یا نه، مهم این است که احزاب یعنی همه آمدن. اونجا می‌بینید که «کفی الله المؤمنين القتال»، کاملاً قضیه حل می‌شه. وقتی کار به بحرانی‌ترین حالت، حضرت موسی و رود نیل و این‌ها قرار می‌گیره، ترامپ اون موقع غرق می‌شه کاملاً و صرفاً یک بدنه ازش باقی می‌مونه برای عبرت تاریخ. و الان هم نشون می‌ده که اتفاق که داره می‌افته و فرق ترامپ و بایدن که خیلی دیگه واضحه؛ یعنی تمام گزینه‌ها رو حذف کرده. بایدن گزینه‌هایی رو نگه می‌داشت، ولی این فرعون دقیقاً همه گزینه‌ها رو حذف کرده، یک گزینه نگه داشته و اون این است که باید یا ایران تسلیم بشه و یا ایران در حقیقت بمباران می‌شه. حتی یعنی تا این حد، این دقیقاً خودشو در موقعیت فرعون قرار داده. دیگه اینقدر مورد پیگرد قرار داده که یا باید غرق کنه موسی و قوم بنی‌اسرائیل یا باید بیاد زیر نظر فرعون. تا اونجا دیگه داره تعقیب می‌کنه و در نقاط بحرانی داره قرار می‌ده. اینجا نقطه‌ای است که نقطه حساسی است، که واقعاً نقطه حساس کنونی که یا جامپ می‌کنه، می‌پره نظام اسلامی و تمام معادلات به هم می‌ریزه، یا نه، واقعاً با یک شکست و سقوط عجیبی مواجه می‌شه؛ یعنی خودش غرق می‌شه.

اولاً نقطه‌یابی و جایابی خودمون رو داشته باشیم. الان در زمانی هستیم که فرعون با تمام موقعیت فرعون چنان تعقیب کرده و چنان گزینه‌های ما و خودشو حذف کرده، ما رو تا لب رود نیل آورده خلاصه و اینجا همونجاست که یا ما غرق می‌شیم یا اون غرق می‌شه. اینو به عنوان یک قاعده بدونید و اون نقاط اینجوریه که رودها باز می‌شه، دریاها می‌شکافه اگر این اتفاق بیفته و اگر نیفته که خودمون غرق می‌شیم یا باید بریم زیر نظر فرعون و دیگه خلاصه سلاح‌ها رو زمین بزاریم، دوبندمونم آویزون کنیم و دیگه با خاطراتش و با خاطرات مقابله با طاغوت عالم، با این خاطرات باید دل‌خوش کنیم. ممکنه بگید بله، ما بالاخره یک جریانی داریم، جریان ظهور و همه این چیزا. بله، هست، قطعاً این پایان تاریخ، قسمت‌های پایانی تاریخ اینجوری خواهد شد. ولی خدا نکنه که من باب "وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَظَلَّ عَلَيْهِمُ الْأَمْدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ" نشید که با حرکت‌های زیگزاگی خودشون یک کاری کردن این مدت طولانی شد. مدت نتیجه‌گیری وقتی طولانی شد، این شیر تا اومد سر بره، هی زیرشو کم کردیم، آخرش نداشتیم این شیر خلاصه به جوش بیاد و در نقاط رهاییش رها بشه. این کارو نداشتیم بکنیم و الان مذاکرات چه نقشی می‌تونه بازی کنه؟ عرض بکنم خدمتون تو این قضیه، نقش مذاکراتی که حالا به صورت غیرمستقیم الان داره مذاکرات انجام می‌شه. حالا راجع به مذاکرات مستقیم هم توضیح خواهیم داد و شرایطش و چگونگیاش و نقش مردم و نقش مذاکره‌کننده‌ها و همه اینا. پس این ترسیم فضاست. اینو دقت بکنید یک بار دیگه: یا ما می‌پریم بالا یا غرق می‌شیم. حالت وسط رو خودمون و طرف مقابل برای ما حذف کرده. خب، این دیگه حالت وسطی وجود نداره. ما الان همه گزینه‌ها دیگه روی میز هست تا بحث بمباران و فلان، همه چیزها که بالاخره حضرت آقا احتمالش رو مطرح کردند یا بحث فتنه داخلی و همه چیزهایی که طرح شده یا یک نتیجه فوق‌العاده عالی که اصلاً غیرقابل باور، مثل اینکه مثلاً آتشی گستان بشه "يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِِبْرَاهِيمَ" که یک آتشی که آتش‌افروزی مثل ترامپ می‌خواد باز بکنه، این تبدیل به گستان بشه و مردم واقعاً یک اتفاق ویژه‌ای رو در زندگی خودمون و روابط خودمون. خوب، بریم سراغ مذاکرات.

اولاً آیا ما مذاکره مستقیم داریم، غیرمستقیم داریم؟ اینا، ما همشو داریم. در اسلام همش موجوده. هم مذاکرات مستقیم موجوده، هتل به هتل هست، اتاق به اتاق هست، نفر به نفر هست، مذاکره رئیس با نماینده، از همه مدل‌هاش وجود داره. اینی که بخوایم به جهت اعتقادی بگیم این هست، اون نیست، این وجود نداره، اینجوری نیست واقعش. منتها مراتب تعیری که و اون گزیده‌ای که اون ولی جامعه انتخاب می‌کنه که چه جوری مذاکره باید انجام بشه، اگر بخواد مذاکره انجام بشه و یا شرایط این انتخاب رو ایجاد می‌کنه، اون گزینه که در حقیقت روی میز، اینجوری نیست که حتماً بگیم گزینه مذاکره مستقیم داریم، مذاکره غیرمستقیم داریم و یکیشو داریم، یکیشو نداریم. نه، شما ببینید که در مذاکرات حکمیت، مذاکراتی گرچه مذاکرات تحمیلی بوده، ولی اصلاً قبل از سیستم مذاکرات، ما یک عالمه نامه‌نگاری بین شخص امیرالمؤمنین و شخص معاویه داریم. نامه‌نگاری داره، مذاکره‌کننده‌های بین نماینده امیرالمؤمنین و نماینده معاویه داریم. همین مدلسو داریم در تاریخ اسلام. ما در جریان صلح حدیبیه در سوره مبارکه فتح، وقتی سهل بن عمرو میاد برای مذاکره با خود پیغمبر مذاکره میکنه، یعنی نماینده ابوسفیان، سهل بن عمرو میاد با خود پیغمبر مذاکره می‌کنه. این توش اصل نیست. اصلاً بحث اصلی خیلی وقتا این نیست که مذاکره مستقیم یا غیرمستقیم یا داریم، یکیشو نداریم. همه مدلسو داریم. ما در نهج البلاغه فراوان نامه‌هایی که امیرالمؤمنین به معاویه داره.

تو این مذاکرات، چند تا چیز لحاظ شده. این چند تا چیز رو لحاظ کنیم. نکته اول: مذاکره هیچ موقع بر اساس سستی نباید باشد. این حرف بسیار مهمیه. یعنی مردم و نماینده‌های مردم نباید از سر هوان و خواری و سستی مذاکره کنند. این در آیات قرآن اومده: "فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَغْمَالُكُمْ" شما می‌خواهید دعوت به سازش بکنید؟ خب، بکنید. منتهای مراتب، این دعوت از سر خواری و سستی نکنید. ببینید، امیرالمؤمنین همون جایی که قدرت داشت و همون جایی که قدرت نداشت، یعنی بعد از جریان حکمیت، حتی نامه‌هایی که به معاویه می‌نویسه، همون موقعی که داره می‌گه: «يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَ لَا رِجَالٍ، حُلُومُ الْأَطْفَالِ وَ عُقُولُ رِبَّاتِ الْجِبَالِ»، اونجایی که داره مردا، مردمان خودشون، مردان نامرد معرفی می‌کنه و حتی می‌گه: «کاش شما را نمی‌دیدم، شما جرعه جرعه به من زهر نوشاندید و جام زهر به من تعارف کردید و این چیزا». وقتی که این رو می‌گه، شما زهر به من دادید، خوردم و بعدش می‌گن که همین عبارت در همین جاست که می‌گن که به من می‌گن که علی، کاردان نیستی، جنگاور خوبی هستی، ولی کاردان نیستی. می‌گن من کاردان نیستم؟ من که از اول تو همین جنگا بودم، تو همین انقلاب بودم و خاک همین انقلابو خوردم، ولی ولاکن لا رعی لمن ۲۰ سالم نبوده. من پست و مسئولیت داشتم. الان که علی ستین از ۶۰ گذشتم، ولی لاری لمن لا يطاع، کسی که اطاعت نمی‌شه، چه رای؟ اینجا این نکته رو عرض می‌کنم به عنوان زنهار. در یک موقعیتی هستیم، موقعیتی که باید مردم حواسشون باشه، مسئولین حواسشون باشه. مذاکره‌کننده‌ها هم، در فراز دیگری خواهم گفت که شما مذاکرات را به پای ولی جامعه نمی‌شه نوشت. یک نکته: همه رهاورد مذاکره را و امضاها مذاکره رو شما به پای ولی جامعه نمی‌شه نوشت. اگه بنویسیم، همون خطایی رو کردیم که با امیرالمؤمنین انجام شده و در موقعیت چه هستیم؟ در موقعیت جام زهر. جام زهر یعنی چی؟ یعنی یک عده‌ای رفتن و نشستند و بستند و گفتند و خندیدند. البته ما تصور را راجع به آقای عراقچی این واقعاً نیست، ولی این احتمال وجود داره که بشین و بگن و دست بدن و بگن و بخندند و بنویسند و بر مردم، یک چیزی رو تحمیل بکنن، چیزی که مردم واقعاً انتظار چنین خواری رو نداشتند، چنین هوایی رو انتظار نداشتند و اینام تجربه نشون داده، عقل هم همینو می‌گه، وحی هم همینو می‌گه که نتیجه نمی‌ده. یه ممکنه یک دلاری آزاد بشه، ولی به مراتب بدترش برمی‌گرده. مثل کسی که عمل جراحی کرده و خلاصه بهش می‌گن به این آب ندید، تشنه‌شه، ولی آب ندید، دهنشو خیس، آب می‌خوره، بدتر، هزار بار بدتر از اون اتفاق تشنگی که براش اتفاق افتاده، براش اتفاق می‌افته و اون موقع همونایی که می‌گن که چرا مذاکره نمی‌کنی، همونا می‌گن چرا مذاکره کردی، چرا نوشتید با همدیگه. تاریخ اسلام رو نگاه بکنید، قرآن رو نگاه بکنید. اینجا نشون می‌ده که بله، یک مذاکره‌ای صورت گرفته در صلح حدیبیه، منتها در صلح حدیبیه، مذاکره صورت گرفته با حالت و سستی و خواری نبوده، کاملاً رو به جلو، یک مذاکره کردن به بطن مکه، پشت دیوارهای آمریکای اون موقع رفتن، مذاکره کردن با قدرت و قوت. این نکته اول.

نکته دوم در پی نکته اول این است که همه رفتار مذاکره را نمی‌شه به پای ولی نوشت. اینجا جاست که مردم باید هوش و حواسشون بدن. اینجوری نیست که مردم یک سری مذاکره‌کننده فرستادن، کشیدن کنار، هیچ تذکری هم نمی‌دن، از اون طرف مذاکره‌کنندگان هم هیچ اطلاعی به مردم نمی‌دن. مردم دارن توی فرایندها قال می‌مونن. اینها نمایندگان مردم‌اند. این باید معلوم باشه، اینها نمایندگان مردم‌ان. ما نمی‌گیم هر آنچه که حتی سری، ما باید بدونیم، مردم باید بدونن، امت حزب‌الله باید بدونن، دغدغه‌مندا باید بدونن. نه، این قطعیه، ولی اینی که مردم نمی‌دونن چه اتفاقاتی داره می‌افته، چه چیزهایی داره داده می‌شه، چه چیزهایی در حقیقت داره می‌مونه، چه جور مذاکرات به چه سمت و سوی داره پیش می‌ره، اگر مردم حواسشون نباشه، آخرش هیچ ورودی نمی‌تونن بکنن. نتیجه چی می‌شه؟ که همش نوشته می‌شه به پای خود ولی جامعه، در صورتی که ولی جامعه داره با مردم حرف می‌زنه. چرا حرف می‌زنه؟ چرا سر این چیزا داره حرف می‌زنه؟

خب، بره با خود مسئولین مذاکره کننده حرف بزنه. چون مردم باید در جریان باشن و باید در جریان بمانند که چه اتفاقاتی داره می افته والا می بینید که رفتن رفتن چهار ماه مذاکرات حکمیت کردن، مردم پشت سر همین جوری ماندند. طرح آخر چی شد؟ آمدند و گفتند که همین جوری که انگشتر از این دست درآوردن، کردن دست درآوردن. دستم، من معاویه رو برگزار من گفتم عه، خود در حقیقت ابوموسی اشعری هم تا حدی شوکه شد تو این مذاکرات و نتیجه مذاکرات شوکه شد، مردم که بماند. البته اینو بدویند، انقدرم ساده نبوده تو این چهار ماه مذاکرات، بالاخره ساخت و پاختا این پشت داشته انجام می شده. به همین سادگی نگفتن انگشتر درآوردن توی انگشتم انجام بشه. کافیه شما اون منویات اصلی انقلاب رو حواست نباشه. روی پافشاری یک عده ای از کسانی که اتفاقاً وا دادگان حرکت، چی می شه؟ وقتی که هی گفتن حکمیت، حکمیت، امیرالمؤمنین قبول نکرد، مذاکرات، امیرالمؤمنین قبول نکرد، بالاخره تونستن یک سری نخبگانی اومدن، نه مردم، عزیزان، مردم بعدا شدن نروهای داستان، یک سری نخبگانی، خواصی اومدن، اینقدر فشار آوردن به امیرالمؤمنین، امیرالمؤمنین گفتش که مذاکرات حکمیت. وقتی که مذاکرات شروع شد، امیرالمؤمنین گفتن آگه با منه، ابن عباس، گفتن نخیر، ابن عباس نه، ابوموسی اشعری رو فرستادن مذاکرات. بعد که مذاکرات حکمیت به اون افتضاح کشیده شد، بعدش تا آخر عمر مبارک حضرت، حضرت داره تاون مذاکرات رو می ده. می گن آقا، تو چرا همچین مذاکراتی قبول، تو برای چی امضا کردی؟ حضرت دست می زد پشت دست: مذاکره رو من شروع کردم یا شما شروع کردید؟

لذا نکته مهم این بحث، یکی از نکات مهم این بحث این است که مردم باید حواسشون جمع باشه تو این زمینه. نگو ما یک سری فرستادیم، متخصص فرستادیم، رفتن یک چیزایی دارن می بندن. از نمایندگان مجلس هم متأسفانه من م دارم می پرسم، می گن ما هم نمی دونیم چه اتفاقی داره می افته. از کمیسیون امنیت ملی هم می پرسین، می گن من نمی دونم چه اتفاقی داره می افته. ببینید، بالاخره مردم باید در جریان اتفاقات افتاده قرار بگیرند و در روند این کار قرار بگیرند و اینا قال می مونن، مثل همه جایی موندن، اونجایی که ما حکومتون حکمرانی مردمیه. بله، یک جای خیلی امنیتی سر جای خودش.

نکته مهم بعدی که اینا شاخصه عزیزان، ببینید، ما چرا داریم شاخص می گیم؟ چون که ما علم غیب که نداریم که به ما می گن که آقا به نتیجه می رسیه یا نمی رسیه. آقا، یک سری شاخص داره. مثل اینکه شما بگین الان این آهونه منبسط می شه یا منبسط نمی شه. من چی بگم؟ یک علم غیب دارم، آگه زیرش آتش روشن کردی منبسط می شه آگه همراهی که آتش روشن که در پنجره هم وا کردی تو فریزر، خب، منبسط نمی شه، خب، یا منبسط می شه. ببینید، اینی که ما شاخص بدیم به کی. غیر اینکه مسئولین باید شاخصه، مردم باید شاخص داشته و مهم تر از همه چی برای مردم امروزه عزمه. عزم بر اینکه ما قرار است تو دهن آمریکا بزنیم. این از این عزم نتیجه می ده. ببینید عزیزان، اگر ما از این کوتاه بیایم، تمام این شیر سرد می شه. شما وقتی که در جنگ احد، بعدش من بارها اینو عرض کردم، حمرا الاسد به پا شد. اصلاً غزوه حمرا الاسد به نفع پیغمبر تمام شد با هیچی، با یک سری عزم فقط. فقط عزم کردن. همین که آقا، ما تا همه جا پای انقلاب موندیم. اگر صلح حدیبیه جواب می ده، اگر این کارا موجب فتوحات بعدی می شه، به خاطر بیعت رضوان بوده. یعنی مردمی یک وایسادن، گفتن که آقا، ما تا پای همه چی تو مبارزه با ابوسفیان می ایستیم. این بوده عزیزان. این آیه که آقای سپاه، آرم سپاه، "وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ". اول من قوت. قوت یعنی چی؟ یعنی تمام عزم و اعتماد رو بردار بیار. تجهیزات نظامی هم بیاد. این اشتباهه که شما در ارتباط با آمریکا رو موشک و پدافند حساب کردی فقط. این اشتباهه، این کار. اون چیزی که ماها رو نجات می ده، عزم مردمه. اون عزم ایمانی شونه، عزم توحیدی شونه، عزم ولای شونه. این یک تعداد شاخص، اگر این شاخص ها رعایت بشه، از سر سستی نباشه، از سر معامله گری های سر اصل انقلاب نباشه، بله، مذاکرات هسته ای. ما بمب هسته ای داریم یا نداریم؟ آگه نداریم، یک آژانسی بیاد نشون بده که ما بمب هسته ای نداریم، دیگه. ولی اگر پاش بیفته که بگیم باشه، اون چیزایی هم که نداریم، برای اینکه اعتمادسازی بکنیم به شما، با کسی که اساساً به ما اعتماد نداره، هر کاریم بکنه به ما اعتماد نداره، بهش بگیم ما اینم می دیم، اونم می دیم، شما اینم می دیم، اونم می دیم. این می شه خطوات شیطان. یعنی اینکه باید موشکی بدی، باید هسته ای تو بدی، باید منطقه رو بدی، باید ارتباطاتو با گروه های منطقه بدی، این واضحات قرآنه. یک موقع هست نه، بحث اینه که شما هوش هسته ای تولید می کنیم، یعنی موشک تولید می کنیم، کلاهی هسته ای، مذاکره کنیم، روش چیه، کار بکنید، فلان بکنید، یک روش عاقلانه داره دیگه. ولی اگر جور دیگری بشه که یک خورده دلار باشه، یک خورده مردم بخوان نفس بکشن، به جای دیگه ای تموم می شه، همون اونا خفت مردم خواهند چسبید. مذاکره از سر هوان نباید باشه. مردم در جریان باشند، در جریان کلیات باشند. باید اینها با مبانی انقلاب جور در بیاد، نه اینکه پا رو بذاریم رو خرخره در حقیقت امیرالمؤمنین، او رو تحت فشار بزاریم تا بگیم که تو باید این کارو بکنی. اینجوری نباید باشه. اون موقع عزم مردم باید سرچاش قرار بگیره. آگه این مجموعه باشه، ان شاء الله اتفاقی که در روبروی ما هست، خواهد بود یک اتفاق بسیار بزرگه، بسیار داره تو نقطه های نهایی با همدیگه می جنگه و اگر غیر این باشه، چنان به نکبت خواهد کشید که اونم استثنای خواهد بود. این دیگه به قول معروف، این تو بمیری از اون تو بمیری ها نیست، این خیلی مشخصه. فرعون همه کار خودش رو به میدان آورده ببینیم چی می کنیم، ببینیم

روند مذاکرات به کجا کشیده می‌شه. ما محکم پشت سر مذاکره‌کنندگان خودمون هستیم. هر کسی که از انقلاب به هر شیوه‌ای داره دفاع می‌کنه، ما هم بهش خوش‌بینیم و ان‌شاءالله که موفق باشن. همه ما هم دعاگوشون. یا علی.